

بمناسبت هزاره دانشمند بزرگ ایرانی ابوریحان بیرونی

محيط طباطبائي



«تأله ممتاز و جامع استاد محييط طباطبائي، در اين شماره نامه گوهر، طابعه خجسته و مطبع فرخنده بحث و تحقيقات كه امسال، بمناسبت هزاره ابوريحان محمدبن احمد بيروني، دانشمند نامدار ايران، نقل محافل و بنس مجازي و زيب و زيور رساله‌ها و مجله‌ها و كتابها و سخنرانيها خواهد بود و از اين پس محققان و پژوهندگان دقيق احوال و آثار وي نيز، هرچند بسيار بسيار اندكند، اما بناگير، حاصل غور و فحص و تتبع و استقصاي خود را برور منتشر خواهند ساخت.

بنیاد نیکوکاری نوریانی و نامه تحقیقی گوهر، پاسدار شعر و ادب و دانش و فرهنگ ایران زمین، بنوبه خود، وظیفه‌ای را که در این مهم برعهده دارد کفایت خواهد کرد و یادبود دماغ ورزیده و فکر پخته و قریحه شکست و استعداد شگرف این حکیم ریاضی و مهندس ماهر و ستاره‌شناس بزرگ و مورخ محقق و فیلسوف اجتماعی و ادیب بلیغ را در شماره‌های این نامه و رساله‌های جداگانه زنده خواهد داشت.

«گوهر»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتاب آثار الباقية عن القرون الخالية

در میان دانشمندان بزرگ ایران بعد از اسلام کمتر نویسنده و مؤلفی مانند ابوریحان بیرونی می‌شناسیم که درباره موضوعات مختلف علمی و ریاضی و تاریخی و ادبی سخن گفته و کتاب نوشته و هرچه که از نوک قلم او بر کاغذ نگاهشته شده و بازمانده باشد همه از طراز عالی فکر و منطق و پژوهش و نگارش انسانی شمرده شود. متأسفانه از آثار ادبی و تاریخی متعددی که در فهرست آثار او مینگریم جز چند بیت شعر عربی و صفحه‌ای چند از تاریخ خوارزم او که در

✽ آقای استاد سید محمد محييط طباطبائي، از محققان و پژوهندگان طراز اول کشور

ضمن تاریخ بیهقی به فارسی نقل شده، چیز دیگری در دست نداریم. همه داستانهای که او از زبانهای هندی و یونانی و شاید پهلوی و سریانی هم به زبان عربی نقل کرده مانند **وامق و عنبرا** و **شاد بهر وعین الحیوة** و **بتان بامیان** (خنکبت و سرخبت) و **نیلوفر**، هیچ یک از آنها هنوز به دست ما نیفتاده تا ارزش کار او را در افسانه نویسی و داستان پردازی نشان بدهد. از **وامق و عنذرای منظوم عصری** که بر اساس ترجمه عربی **ابوریحان** به رشته نظم درآمده بود جز چند صفحه ای که سی و اندی سال پیش به دست **پروفیسور محمد شفیع لاهوری** بر حسب تصادف افتاد و چند بیتي که در فرهنگها به شاهد الفاظ ذکر شده بود، مانند منظومه های **خنکبت و سرخبت** و **شاد بهر وعین الحیوة** او در دست نیست تا ما را رهبری کند ولی تاخیر او از **باتجمل** سانسکریت به زبان عربی خوشبختانه باقی مانده ناگواه دقت و لطف تعبیر او در دریافت و بیان و نقل هر قسم معنی باشد. کتابهای بازمانده از بیرونی که از چهل و اندی سال پیش بدینطرف متدرجاً به دست آورده و خوانده ام، هر کدام را به مزیت خاصی ممتاز و صاحب اعتبار دیده ام و در هرات **کوچک** یا **بزرگ** منسوب بدو، شخصیت کامل **ابوریحان** روشنفکر و باریک بین و حقیقت پژوه و جامع نمودار بوده است.

در استیعاب او نقش و نام و تعریف اصطلاحات را مینگریم که نظیر آنها در هیچ اثر همانند آن یافت نمیشود. در **تحدید نهایات الاماکن** که برای تصحیح فواصل و مسافتهای میان مساکن روی ربع مسکون بر نقشه های جغرافیائی، تنظیم کرده است اطلاعات ذبیمتی درباره کارهای علمی گروهی از علمای معاصر و متقدم بر او را که در همین موضوع مهم انجام داده بودند با اسامی رصدهائی که در زمان او و پیش از او بسته شده، مینگریم و در اینجا است که مثلاً میتوانیم جواب تلخ **بیرونی** را بر **ابن سینا** در ضمن نقل قول **بوعلی** برای **زرین گیس دختر قابوس و شمشیر** راجع به تصحیح طول و عرض **جرجان** قدیم، با تعبیری بس حکیمانه مشاهده کنیم که درباره کارهای نجومی **ابن سینا** سخت قضاوت میکند و میگوید:

(بوعلی با وجود زیرکیش قابل وثوق و اعتماد نیست.) در صورتیکه از **سلیمان بن عصفه** نامعروف بلخی و **منصور بن طلحه طاهری** حاکم کم اسم و رسم خراسان در صده سوم و رصدا آنها در همین کتاب نیکو یاد نموده و حق هر یک را منصفانه ادا کرده است.

در **الجناهر فی معرفة الجواهر** و کتاب **صیدله یا صیدنه** او که هر دو از قدیمترین مأخذ های جواهرشناسی و داروشناسی در زبان عربی محسوب میشوند بهترین اطلاعات را درباره اجزاء و موالید طبیعی میتوان یافت، اطلاعاتی که اگر در آثار دیگران هم اکنون دیده میشود، ناگزیر از نوشته های **ابوریحان** اقتباس شده است. **(تحقیق ماللهند)** **ابوریحان** قدیمترین سند هندشناسی در عالم علم شمرده میشود که پس از نهند و پنجاه سال هنوز اهمیت و اعتبار دیرینه خود را از دست نداده و از راه ترجمه زبان انگلیسی، خاورشناسان غرب را به تقدم **بیرونی** در این رشته از معرفت انسانی معترف میسازد.

قانون مسعودی او که در حقیقت **مجسطی بطلمیوس شرق** و یا **بطلمیوس اسلام** محسوب میشود یکی از اسنادی نظیر پیشرفت کامل علم نجوم در ایران بعد از اسلام و شاهد صادق استعداد و قابلیت

علمی پیش‌رس راصدی عالم و حکیمی جهان‌شناس همچون ابوریحان به‌شمار می‌رود.

درمیان آثار متعدد و متنوع ابوریحان که هر کدام در خور تنظیم شناسنامه جداگانه‌ای علاوه بر ترجمه به‌زبان فارسی بوده است، تنها یک اثرش همواره منظور نظرها قرار می‌گرفته و علمای اسلام بارها به‌مطالب علمی آن استشهد جسته‌اند.

پنجاه و هفت سال پیش از این نخستین بار قسمت **السماء و العالم** از **بحار الانوار** مجلسی در توفیق نوروز قدیم مرا بانام ابوریحان و کتاب **آثارالباقیه** او آشنا کرد. بعد از آنکه از زواره بدتهران آمدم درصدد مراجع و استفاده از **آثارالباقیه** برآمدم. چاپ ساختار را به‌دست آوردم و اینک چهل‌و‌اندی سال می‌گذرد که همواره یکی از مراجع ثابت بلکه مونس من در تحقیق مسائل مختلف و مختلط از تاریخ و نجوم و تقویم، همین کتاب گرانبها بوده است. مطالب بی‌نظیری که درباره تقویم و تاریخ ایران در دو مفهوم زمانی و اتفاقی از این کتاب به‌دست پژوهندگان می‌افتد ارزش دیرینه‌اش را کاملاً حفظ کرده و در صدر مطالب روز نظیر خود قرار دارد.

مثلاً ابوریحان در اختلاف مدتی که میان فاصله زمان یزدگرد سوم ساسانی و اسکندر مقدونی در **خداینامه** و یا **شاهنامه پهلوی** با تاریخ رومی معروف به اسکندری وجود داشته به‌دیده اعتبار نگریسته و در صدد کشف حقیقت امر برآمده است و آنگاه به‌همه کارهائی که محققان دیگر اسلامی پیش از زمان او در این زمینه انجام داده بودند در این کتاب رسیدگی دقیق می‌کند و بعد از مقایسه جدول‌هائی که در نسخه‌های مختلف **سیر الملوک و سنی ملوک الارض و آثار ابو الفرج زنجانی و شاهنامه ابومنصوری** و اثر **کسروی اصفهانی**، برای نام‌ها و طول مدت سلطنت پادشاهان سلسله‌های اشکانی و ساسانی ترتیب داده بودند به‌عملی که اردشیر بابکان در کاستن طول مدت فاصله میان اسکندر و سقوط اردوان، برای انصراف توجه مردم از وصول هزاره منتظر زردشتی، اشاره می‌کند و در حقیقت به‌سستی که سرسلسله ساسانیان درباره تاریخ ایران عهد اشکانی و تقویم ایران همچون خانواده اشکانیان رواداشته، رسیدگی اصولی کرده است. **آثارالباقیه** مانند **قانون مسعودی** کتاب عمر ابوریحان بوده و تاجان در بدن داشته همواره به‌تکمیل نقائص آنها می‌پرداخته است.

در فهرستی که خود بیرونی ذیل فهرست آثار **محمدز کربای رازی** در جواب مسائلی برای آثار خویش تا اواخر عهد محمود، تصنیف کرده است آثارالباقیه را که پیش از اتصال به‌دربار غزنه آن را به‌نام **شمس‌العالی قابوس** بنیاد نهاده بود. از کتابهای ناتمام خود می‌شمارد. بیرونی این موضوع را در اثنای فهرست مذکور و پیش از نقل اسامی آثاری که دیگران به‌نام او پرداخته بودند ضمن مطبوعی یاد می‌کند که نقل آن شاید برای شناختن بیشتر اسلوب تفکر ابوریحان بیفایده نباشد.

ابوریحان راجع به خوابی که قبلاً دیده و آن را بر حسب دلخواه خود تعبیر کرده است، چنین می‌گوید: «بدان که آدمی اگرچه از سایر مردم زیرک‌تر و خردمندتر در رنجها و گرفتاری‌هایی که برای او پیش می‌آید، همواره انتظار گشایش دارد. از مژده‌ها دل خوش می‌کند و از هر چه بدش آید یا بدان فال بد زده شود، دلگیر می‌گردد. به‌خوابهائی که می‌بیند خوشحال می‌شود و بر فال‌بینی و غیب‌گوئی تکیه می‌کند. من هم بواسطه اینکه بشری بودم در چنین مواقعی بر همین



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آقای دانسرشت از آثار الباقیه او انتشار یافت و چایی که از کتاب مقدمائی و در فن هیئت یا مدخل نجوم معروف به التفهیم در ترجمه‌های به زبان فارسی که به خود ابوریحان نسبت داده‌اند و به سعی آقای همائی منتشر شد، دیگر تلاش مهمی مخصوصاً برای شناختن ابوریحان در درجه اول و سپس جهت شناساندن او در کارهای اساسی علمی و دانشگاهی، ابدأً به عمل نیامد. در صورتیکه ارکان دولت نظام حیدرآباد دکن از همان زمان دست به کار انتشار آثار ابوریحان زدند و الجماهر و رسالات منسوب به ابوریحان و تحقیق مالهند و قانون مسعودی را متوالیاً از روی نسخه‌های کهنه موجود در کتابخانه‌های ترکیه و اروپا به چاپ رسانیدند و در دسترس علاقه‌مندان قرار دادند.

در ترکیه که گنجینه‌ای از نسخه‌های کهنه آثار ابوریحان محفوظ است چند سال پیش کتاب تحدید نهایت الاماکن لتصحیح المساکن را از روی نسخه‌ای که در آخر آن تاریخ ۴۱۶ هجری دارد و در غزنه نوشته شده و گمان میرفت که به خط دست مؤلف باشد، به چاپ رسانیدند.

سال گذشته در برنامه مرزهای دانش رادیو پس از تحویل سال ۱۳۹۲ قمری هجری به تاریخ شمسی ۱۳۵۱ به استحضار هموطنان ارجمند رسید که در سال آینده یعنی امسال ۱۳۵۲ هزار سال تمام از تولد ابوریحان میگذرد و موقع برای یادآوری خدمات علمی او مناسب خواهد بود. خوشبختانه وزارت فرهنگ و هنر و دانشگاههای کشور این مناسبت را برای بزرگداشت مقام علمی ابوریحان مغتنم شمردند و مقدمات تشکیل کنکراهی و اپیوسته به مجلس جشن هزاره او را با چاپ و ترجمه برخی از آثار او نصب العین همت خود قرار دادند.

در این میان سهم کتاب آثار الباقیه این امتیاز را خواهد داشت که آقای دانسرشت ترجمه قبلی خود را از این کتاب با صورت عکسی نسخه کامل ترکیه تطبیق کرده و نواقص ترجمه را رفع میکند و بعید نیست در همین اثنا دیگری هم به چاپ تازه‌ای از اصل کتاب از روی نسخه کامل همت بگمارد و این اثر را که در مدت چهل سال آخر عمر، همواره مورد تکمیل از طرف مؤلف قرار میگرفته، در کاملترین صورت موجود آن انتشار بدهند.

تصور میکنم تذکر این مطلب در حاشیه بحث حاضر خالی از فایده نباشد که آثار الباقیه ابوریحان صدویست سال پیش از این مورد توجه مخصوص علیقلی میرزای اعتضاد السلطنه وزیر علوم قرار گرفته بود و مشکلات آن را از روی همین نسخه خطی مدرسه سپهسالار بر ملاعلی محمد اصفهانی پدر میرزا عبدالقارخان نجم الدوله می‌آموخت و می‌گشود، او چنانکه در کتاب فلك السعاده اثر نجومی خود می‌آورد، ترجمه‌ای از آثار الباقیه به فارسی تهیه کرده بود که عباراتی از آن را در فلك السعاده نقل میکند. هم او در رساله متنبیان یا مدعیان پیامبری، شرح حال مزدك و مانی و برخی دیگر را که از روی این کتاب به فارسی ترجمه شده بود نقل میکند. قاعدتاً بایستی این ترجمه فارسی در جزو مجموعه کتابهای او بوده و بعد از مرگش به کتابخانه مدرسه جدید سپهسالار منتقل شده باشد. فقدان چنین نامی در فهرست کهنه این کتابخانه معلوم میداشت که این کتاب قبل از انتقال به مدرسه مفقود شده باشد. تا آنکه در سال ۱۳۲۹ ضمن توقف چندروزه خود در بندر بمبئی، در صدد برآمدم از کتابخانه مانکجی هاترایا سرپرست قدیمی اعزامی از طرف پارسیان بمبئی برای سرپرستی زردشتیان ایران که مجموعه گرانبهایی از کتابهای فارسی را به دست آورده و با خود به هند برده بود بازدیدی به عمل آورم. با راهنمایی شادروان

کیخسرو فیترا از پاریسیان نیک‌نام هند موجبات این کار فراهم آمد. اما اشکالاتی که از دو طرف پیش آمد مانع از این شد که آن قصد خیر کاملاً صورت عمل بگیرد. در ضمن مذاکره کیخسرو فیترا از وجود کتابهایی که در آن گنجینه وجود داشت و تذکر آن موجب مزید توجه علاقه‌مندان به بازدید آن مجموعه در موسسه کاما میشد بامن سخن میگفت. از جمله نام کتاب آثارالباقیه‌ای به زبان فارسی برد ولی از نام مؤلف آن اطلاعی نداشت. بیست سال پیشتر هم چنین تصویری در موردی مرا برانگیخته بود تا به جای آثارالباقیه فارسی بیرونی به تذکره مائرباقیه تالیف نیای خود میرزا محمدعلی وفای زواره‌ای دست‌یابم. این حسن ظن یا تصور بقای ترجمه شاهزاده علیقلی میرزا مرا همواره مطمئن میساخت که نسخه فارسی آثارالباقیه معهود باید همان ترجمه شاهزاده باشد که احتمالاً مانکجی آن را در تهران به دست آورده و با خود به هند برده باشد. تا آنکه اخیراً بوسیله آقای غروی معاون رایزن فرهنگی سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در هند که محل کار خویش را در بمبئی اختیار کرده است اطمینان از وجود چنین نسخه‌ای در جزو مجموعه مانکجی حاصل کردم که در مقدمه آن اسم علیقلی میرزا به عنوان مترجم وارد است.

بنابراین کتاب آثارالباقیه در میان کلیه آثار ابوریحان این مزیت را یافته که فعلاً در سه ترجمه فارسی، یکی از علیقلی میرزا که ناگزیر از روی نسخه ناقص عربی کتابخانه فعلی مدرسه سهالار و به دستگیری ملاعلی محمداصفهانی معروف به غیاث‌الدین جمشید ثانی پرداخته شده، و دیگری ترجمه ناقص آقای داناسرشت که سی‌واندی سال پیش به چاپ رسیده است. و اینک ترجمه سوم کامل داناسرشت از همان کتاب که در دست چاپ و انتشار قرار گرفته و میتواند در آینده نزدیکی مورد استفاده علاقه‌مندان قرار گیرد.

آقای غروی بنا به وعده‌ای که داده‌اند عنقریب عکس نسخه مانکجی را برای این جانب خواهند فرستاد و زمینه تازه‌ای برای تجدید بحث درباره آثارالباقیه به دست خواهند داد.

در خاتمه، این نکته را می‌افزاید مقاله‌ای را که درباره رصدهای مهم قدیم و جدید، علیقلی میرزا به کمک ملاعلی محمد در شماره اول یا دوم روزنامه علمی عصر ناصری به فارسی نوشته و به زبانهای عربی و فرانسه هم ترجمه کرده و به چاپ سنگی رسانیده‌اند قبلاً چنین میپنداشتم که از روی آیین اکبری یا تسهیلات زیج محمدشاهی برداشته شده باشد. ولی بعداً دریافتم که از تحدید نهایات‌الاماکن ابوریحان برداشته شده که از این حیث کنایی بی‌نظیر است و قرینه چنین مینماید که علیقلی میرزا نسخه‌ای از نهایات‌الاماکن را در دست داشته است زیرا در آن زمان بوجود نسخه منسوب به خط ابوریحان در اسلامبول هنوز استحضاری حاصل نبود. انصاف باید داد ابوریحان در این اثر خود که پیرامون موضوع طول و عرض نقاط دور میزند و حاصل آن را در قانون مسعودی از استخراج خود ثبت و ضبط کرده است کوششی بی‌نظیر به خرج میدهد و در عین حال تقویم ارزش کاردها را صد معروف قدیم را با عمل دقیق خود در رصدهایش نیکو معرفی میکند.

این کتاب در ضمن چند سال اخیر دوبار یکبار در اسلامبول و دیگر بار در قاهره به چاپ رسیده و اخیراً هم به زبان انگلیسی نقل شده است جناب احمد آرام آن را از روی همین ترجمه انگلیسی بعد از تطبیق کامل با اصل عربی به فارسی برگردانیده‌اند که عنقریب در جزو انتشارات جشن و کنگره ابوریحان در شهریورماه ۱۳۵۲ انتشار خواهد یافت.

۱۳۵۲۳۱